اعلامیهٔ توضیحی
سازمان چریکهای فدائی خلق
در رابطه با

انفجار در استانداری خراسان

هموطنان عزیز! کارگران! دهقانان! دانشجویان! دانش آموزان!
کارمندان! کسبه! روحانیان و بازرگانان آزادیخواه خراسان!

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز دو شنبه ۲۱ بهمن ماه، یك واحد از رزمندگان "سازمان چریکهای فدائی خلق"، بمب ساعتی نیرومندی را در محوطهٔ استانداری خراسان کارگزاری کردند که پس از نیم ساعت با صدای مهیبی منفجر گردید. صدای این انفجار که در قسمت بزرگی از شهر مشهد شنیده شد، پیام آور ضربه ای تازه بود که چریکها بر پیکر دولت مزدور شاه وارد آوردند. این عملیات بخاطر بزرگداشت سالروز رستاخیز سیاهکل و در رابطه با آن انجام گرفت. همزمان با این عملیات ضربه های دیگری نیز در سایر شهرستانها به دشمن وارد آمد که عبارتند از:

۱. انفجار شدید پایگاه ژاندارمری لاهیجان
۲. انفجار در شهربانی بابل
۳. انفجار در پاسگاه ژاندارمری سلیمانیهٔ تهران.

اکنون لازم میدانیم به مناسبت این انفجارها مطالبی را برای هموطنان عزیز توضیح بدهیم:

"سازمان چریکهای فدائی خلق" چیست و اعضای آن کیستند؟

هموطنان عزیز! در وطن ما مشتی کارمندان عالیرتبهٔ دزد و فاسد و سرمایه داران نوکر خارجی هستند که شاه خائن و آمریکش رئیس شان است. این عده که طبقهٔ حاکمه ی کشور ما را تشکیل میدهند زندگی خوش و خرمی دارند و از بهترین نعمات زندگی برخوردارند.

www.iran-archive.com

در مقابل آنها ، میلیون ها مردم زحمتکش و رنجبر ما از کارگر و دهقان و دانش آموز و دانشجو گرفته تا کارمندان و کسبه و غیره وجود دارند که همیشه در زجر و عذاب هستند و روز بروز زندگی برایشان سخت تر میشود و هر روز آرزوی روز پیش را دارند . با آنکه ساختمان وکارخانه و مزارع در کشور ما روز بروز بیشتر میشود ، ولی مردم ما هر روز بد بخت تر و فقیرتر میگردند . کالاها و اجناس گوناگون زیادتر میشوند ولی قیمت شان هم روز بروز بالا میرود . چرا ؟ برای اینکه تمام مملکت در چنگ مشتی کارمندان عالی رتبه دزد و فاسد و سرمایه داران نوکر خارجی است . همه چیز مال خودشان است و به میل خودشان خون مردم را در شیشه میکنند .

با این حساب ، تنها راهی که برای خلق زحمتکش ایران باقی میماند این است که با این طبقه حاکمه ظالم و غارتگر مبارزه کنند و باتداوم و پیگیری در مبارزات خود در یک نبرد طولانی قدرت را از دست این زالوهای کثیف خارج نمایند . اما چگونه ؟

در چند دهه گذشته ، خلق ما همواره با طبقه حاکمه و با حکومت فاسد دست نشانده مبارزه کرده است ولی این مبارزات بطور کلی شکل غیر مسلحانه داشته و حد اکثر آن اعتصابات ، تظاهرات و میتینگ های سیاسی بوده . اگر هم در ضمن ، شورش های خشنی در اینجا و آنجا به وقوع پیوسته ، بصورت یک شورش تند و نامنظم و گذرنده بوده که بدون رهبری سازمان یافته و بدون برنامه مشخص و حساب شده انجام گرفته ، شاه خائن که نوکر دست نشانده سرمایه داران خارجی و بخصوص سرمایه داران آمریکائی است ، به کمک جاسوسان کثیف سازمان امنیت و کارشناسان آمریکائی اش بسادگی توانسته اینگونه مبارزات را در نطفه خفه نماید . مردم وطن ما خود بخوبی میدانند که رژیم شاه خائن چگونه اعتراضات حق طلبانه مردم را با زور سرنیزه سرکوب میکند و مبارزین را روانه شکنجه گاه و میدان های اعدام مینماید . در همین شهر مشهد حکومت شاه بارها اعتصابات دانشجویان دانشگاه مشهد را وحشیانه سرکوب کرده است و دانشجویان مبارز و اعتراض کننده را با زور و تهدید خاموش ساخته . مثلا در روز ۱۶ آذر ماه امسال دانشجویان دانشگاه مشهد ، به مناسبت روز دانشجو ، تظاهراتی در صحن دانشگاه

www.iran-archive.com

براه می اندازند و نوشته هائی بدین مضمون :" ما خواهان جامعه" بی طبقه هستیم " با خود حمل میکنند . ولی بلافاصله مأموران مزدور کارد دانشگاه به آنها حمله میکنند . دانشجویان دامنه" تظاهرات را به خیابانهای شهر میکشانند و از طرف مردم هم حمایت میشوند ، پلیس هم به آنها حمله میکند و حتی اقدام به تیراندازی مینماید . شایع است که سه نفر از دانشجویان دانشگاه مشهد در اثر تیراندازی پلیس، مزدور شهید شده اند . حکومت شاه ، حتی روحانیان بزرگ و سرشناسی را که حاضر نبوده اند از دستگاه ظالم و مردم کش شاه تعریف و تمجید کنند و با آن مخالفت کرده اند ، روانه" تبعید و زندان نموده .

شاه و دار و دسته" جنایت کارش از روش های مختلفی برای خفه کردن اعتراضات مردم استفاده میکنند .آنها تا آنجا که بتوانند مردم را فریب میدهند و سعی میکنند آنها را با تبلیغات گوناگون سرگرم ساخته و مطیع خود نمایند ، یا آنکه با دادن برخی امتیازات کوچک و محدود که یک هزارم حق مردم هم نیست و تبلیغ فراوان روی آن ، سعی میکنند مردم را فریب بدهند و از اعتراضات آنها جلوگیری کنند . در صورتی هم که عده ای از مردم فریب این دغلکاری ها را نخورند و به مبارزه با دولت شاه خائن ادامه بدهند ، این دولت میکوشد آنها را به دو طریق از صحنه" مبارزه خارج کند ،بدین ترتیب که از طرفی سعی میکند با دادن رشوه و مقام عده ای از رهبران مبارزه را بخرد که البته در این کار خود زیاد موفق نیست ، زیرا افراد ضعیف النفس و سود جو در صفوف مبارزات مردم کم هستند ، از طرفی دیگر اکثریت قاطع مبارزین را که خواهان ادامه" مبارزه هستند وفریب تبلیغات و پول ومقام را نمیخورند دستگیر و زندانی و شکنجه مینماید تا بلکه آتش مبارزه را برای مدتی هم که شده خاموش سازد .

دولت شاه همچنین برای سرکوب اعتراضات دسته جمعی مردم ، از دستگیری وسیع وحمله و تیراندازی به مردمی که برای گرفتن حق خود بپاخاسته اند هیچ ابایی ندارد .

بدینوسیله شاه خائن و همدستان کثیفش ، از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد

www.iran-archive.com

با خفه کردن هر گونه صدای حق طلبانه مردم توانسته بودند محیط امن و آرامی برای فرمانروائی خود به وجود بیآورند . اما این وضع زیاد طول نکشید و رستاخیز روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ وضع را بکلی عوض کرد . بدین ترتیب که در این هنگام سازمان ما و سازمانها و گروههای انقلابی دیگر ، به این نتیجه رسیده بودند که باید مبارزهٔ مسلحانه با دشمنان خلق یعنی شاه و دستگاه ستمش را شروع کنند و بدینوسیله مردم را به تدریج بخود جلب نمایند تا اینکه ارتشی نیرومند از خلق ستمکش و رنج دیدهٔ ایران بوجود آید و تحت رهبری حزبی که در این شرایط انقلابی بوجود می آید حکومت شاه را سرنگون سازد و حکومتی که نوکر سرمایه داران خارجی نباشد و منافع خلق را در نظر بگیرد بر جای آن بنشاند . در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ ، برای اولین بار یک دسته از رزمندگان سازمان ما به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل از توابع لاهیجان که جان و مال و ناموس مردم منطقه را مورد تجاوز قرار میداد ، مسلحانه حمله کرد ، پاسگاه را خلع سلاح نمود و چند تن از مأموران فاسد و تجاوزگر را نابود ساخت و به سزای اعمال ننگین شان رساند . از آن تاریخ تاکنون که ۴ سال تمام میگذرد ، سازمان ما برای اینکه مردم را از وجود خود و از هدفهای خود آگاه کند و هرچه بیشتر نقشه های ضد مردمی شاه خائن را فاش نماید و راه درست مبارزه با حکومتی راکه هر روز بیشتر از قبل باعث بدبختی و سیه روزی مردم زحمتکش میشود نشان دهد ، عملیات بسیاری انجام داده است . سازمان ما در سراسر ایران فعالیت میکند و به آگاه کردن مردم و متحد کردنشان اقدام مینماید . علاوه بر سازمان ما ، سازمانها و گروههای انقلابی دیگری نیز وجود دارند . این سازمان ها تاکنون عملیات انقلابی گوناگونی انجام داده اند ولی دولت شاه در مقابل این امر تا حد ممکن سکوت کرده و سعی میکند این عملیات را از خلق ایران پوشیده نگاهدارد و در آنجا هم که سکوت دیگر ممکن نیست حقایق را دگرگونه جلوه میدهد . مثلا در تاریخ ۲۰/ ۵/ ۵۳ یک گروه از رزمندگان سازمان ما در وسط یکی از خیابانهای تهران ماشین محمد فاتح یزدی سرمایه دار معروف و چشم راست شاه را که با کمک ژاندارم بیست نفر از کارگران را کشته و عده ای را زخمی کرده بود نگاهداشت و او را همانجا

اقدام نمود ، ولی روزنامه های شاه فقط نوشتند که فاتح یزدی با گلوله کشته شد و نامی از ما نبردند ، در حالیکه ما در محل اعلامیه پخش کردیم و مردم همه فهمیدند سازمان ما ، یعنی "سازمان چریکهای فدائی خلق" این کار را کرده است . یا در تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۹ چندتن از رزمندگان سازمان ما سرگرد علی نقی نیك طبع را که جنایتکار معروفی بود و کارش شکنجه کردن زندانیان سیاسی بود در نزدیکی کاخ شاه وکاخ نخست وزیری متوقف کردند و او را همانجا تیرباران نمودند . پس از این کار در ماشین او بمب ساعتی گذاشتند و بدینوسیله دو شکنجه ـ گر معروف دیگر را که برای بازدید صحنه آمده بودند ، نابود ساختند . با اینکه این خبر بلا فاصله در تهران پخش شد ، باز رژیم شاه کوشید که این موضوع را تاحد ممکن کوچك و بی ـ اهمیت جلوه دهد و بدین منظور در صفحه ٔ دوم روزنامه های جیره خوار خود چند سطر خبر را به صورتی ناقص و نادرست مندرج کرد و فقط نوشت که یك کارمند به نام نیك طبع بابمب به اصطلاح "خرابکاران" کشته شده است . شاه دوست دارد که ما را خرابکارمعرفی کند ، آری ما خراب کنندگان نظام شاهنشاهی هستیم ، ما ویران کنندگان این استبداد و خونخواری دوهز ـ ار و پانصد ساله ایم . ویران کردن این ساختمان کهنه و پوسیده ، برای بنای جامعه ای نو ومترقی و شکوفان ضرورت دارد . برای بنای حکومت خلق ، باید نخست حکومت شاهنشاهی را که دوران آن دیگر سر آمده است خراب و ویران کرد .

شاه میکوشد که خلق را از وجود ما بی خبر نگاهدارد ، ولی ضرباتی که ما بر پیکر طبقه ٔ حاکمه و حکومت ننگین شاه میزنیم و تبلیغاتی که در پناه آتش اسلحه میکنیم ، خلق را از وجود ما با خبر خواهد ساخت . شاه میکوشد که ما را دشمن خلق معرفی کند ، ولی خلق میبیند که دشمنان خونخوارش بدست ما کشته میشوند و میبیند که ما چگونه جان خود را پاکبازانه در راه رهائی مردم زحمتکش فدا میکنیم . روز بروز گرایش مردم زحمتکش بسوی ما بیشتر میشود و بیشتر ما را مورد پشتیبانی مادی و معنوی خویش قرار میدهند .

در اینجا ما خاطره ٔ رفقای شهید مشهدی خود را که با ایثار خون خود نهال جنبش

www.iranarchive.com

آزادی بخش خلق ما را آبیاری کردند گرامی میداریم و ایمان کامل داریم که راهی را که آنها آغاز نمودند در یک مبارزه طولانی و با شرکت تمامی مردم برای نابودی حکومت خاندان فاسد پهلوی که نماینده طبقه حاکم خونخوار ایران است بطور کامل و پیروزمند انه به پایان خواهیم رساند.

گرامی باد خاطره رفقای شهید مشهدی:

۱. رفیق مسعود احمد زاده فرزند آقا طاهر احمد زاده، لیسانسیه ریاضی (افسروظیفه) که در تاریخ ۱۱ اسفند سال ۱۳۵۰ بدست مزدوران سازمان امنیت بشهادت رسید. او نویسنده ی کتاب درخشان "مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک" است.

۲. رفیق مجید احمد زاده، برادر رفیق مسعود احمد زاده، دانشجوی دانشگاه صنعتی که در ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ بوسیله مزدوران کثیف سازمان امنیت بشهادت رسید.

۳. رفیق امیر پرویز پویان، یکی از فرزندان شریف و تحصیل کرده مشهد که در سال ۱۳۵۰ بوسیله مأموران سازمان امنیت به شهادت رسید. او نویسنده اثر درخشان "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا" است.

۴. رفیق حمید توکلی، از اهالی مشهد و لیسانسیه زبان انگلیسی که در اسفند ماه ۱۳۵۰ بوسیله مأموران سازمان امنیت بشهادت رسید.

۵. رفیق سعید آریان، از اهالی مشهد و عکاس که در زمستان سال ۱۳۵۰ بوسیله مزدوران کثیف سازمان امنیت به شهادت رسید.

۶. رفیق مهدی سوالوتی، لیسانسیه فیزیک از اهالی مشهد که بوسیله مأموران سازمان امنیت در اسفند ماه ۱۳۵۰ به شهادت رسید.

در اینجا لازم است که از پدر مبارز و میهن پرست رفقای شهید خود، مسعود ومجید احمد زاده، آقای طاهر احمد زاده از مبارزین سرشناس مشهد که پس از تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها به ۷ سال زندان محکوم شده است و همچنین از رفیق شهین توکلی، خواهر رفیق

www.iran-archive.com

شهید حمید توکلی و همسر رفیق شهید سعید آریان که بخاطر شرکت در مبارزه برعلیه شاه خائن و اربابان خارجی اش و دفاع از منافع مردم زحمتکش در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده و به ۵ سال زندان محکوم گردید یادگنیم و به پایمردی و مقاومت آنان درود بفرستیم .

* * * *

هموطنان عزیز !

اکنون که ما در آستانه پنجمین سالروز جنبش مسلحانه سیاهکل هستیم ، در ارتباط با بزرگداشت این روز تاریخی ، دست به این عمل سیاسی ـ نظامی هشدار دهنده و افشاگرانه (یعنی انفجار در استانداری) زده ایم . منظور ما از انجام این عمل وارد ساختن ضربه روحی به دشمن ، آگاه ساختن خلق نسبت به فجایع حکومت شاه ، تقویت شور واحساس انقلابی وضد دولتی در مردم ، اعلام وجود و اعمال قدرت نیروی انقلاب و خلاصه ، ایجاد ارتباط معنوی بین خلق و فرزندان پیشروش ، چریک های انقلابی است .

چرا در استانداری بمب منفجر کردیم ؟

ما با این عمل مسلحانه خود میخواستیم بر یکی از مشکلات اساسی اکثریت مردم مشهد و استان خراسان انگشت بگذاریم و آن اعتراض به دزدی و چپاول هائی بود که شاه ونوکرانش از اموال "آستان قدس رضوی" انجام میدهند . شاه تولیت آستانه را به عهده دارد و استاندار (ولیان) نماینده او در انجام این کار است . بدینجهت ما به عنوان اعتراض به ظلم وستم دستگاه اداری دزد و فاسد آستانه وسردسته آنها شاه خائن نسبت به مردم استان خراسان و بخصوص شهر وروستاهای مشهد به عنوان اعتراض به بهره کشی وحشیانه آنان از خلق ودزدی

وچپاول اموال آستانه بوسیلهٔ آنان تصمیم گرفتیم که بعب نیرومندی در استانداری خراسان کار بگذاریم . اکنون در اینجا لازم میدانیم که دربارهٔ دستگاه اداری دزد و فاسد آستانه وسر ـ دستهٔ آنها شاه خائن و چپاولگری هایشان از مردم زحمتکش وطن ما مختصری بیان داریم :

درآمدهای آستانه به جیب چه کسی میرود ؟

همهٔ ما میدانیم که "آستان قدس رضوی" دارای ثروتهای عظیمی است وسالیانه صدها میلیون تومان درآمد دارد و نیز همه میدانیم که این ثروت عظیم در دست خود شاه است و درآمدها و مخارج آن مستقیما زیر نظر خود اوست ویه اصطلاح دولت ، یعنی وزارتخانه ها و ادارات دولتی درآن دخالت ندارند . اما هیچکس نمیداند که این ثروتها چگونه محافظت میشود و این درآمدهای عظیم چگونه خرج میگردد . البته همهٔ مردم از این حقیقت با خبر هستند که درآمدهای آستانه را شاه و مأموران فاسدش میدزدند وصرف عیش و عشرت خود میکنند ولی هیچکس از چگونگی و جزئیات آن با خبر نیست .

www.iran-archive.com

هموطنان عزیز !

این شاه جلاد و آدمکش چنان خلق ما را بزنجیر کشیده و چنان زبان مردم ما را بسته است که هیچکس نمیتواند از او بپرسد این پولها راکه او مأمور مصرف به اصطلاح خیریهٔ آنهاست چه میکند ، به چه مصرفی میرساند و به چه کسی حساب پس میدهد . او هم از فرصت استفاده کرده وتا میتواند اموال آستانه را مانند سایر ثروتهای وطن ما غارت میکند . شاه اکنون از بزرگترین ثروتمندان جهان است و شاید ثروتمندانی نظیر او درجهان انگشت شمار باشند . پدر او یک سرباز سادهٔ قزاق بود که در هفت آسمان یک ستاره نداشت . حالا پسر همان سرباز آسمان جل ، در عرض پنجاه یا شصت سال ، به یکی از بزرگترین ثروتمندان دنیا تبدیل شده است . او تا سال ۱۳۲۹ ، گذشته از سایر اموال منقول و غیر منقول ، فقط ۲۰۰۰ (دوهزار) روستا ازبهترین

روستاهای کشور داشت که پس از آن ، این روستاها را فروخت و با پول آنها کارخانه و بانک و شرکت وغیره در داخل و خارج ایران تأسیس کرد . یک نمونه هم از دزدی های او ، اموالی است که از آستانه غارت میکند . مثلا طبق آماری که خود دستگاه اداری دزد و فاسد آستانه منتشر کرده در سال ۱۳۴۷ آستانه مجموعا ۳۸ میلیون تومان درآمد داشته . از این مقدار در حدود ۱۶ میلیون تومان آن خرج دستگاه اداری شده ، یعنی به جیب خودشان رفته . ۱۵ میلیون تومان دیگر هم صرف سرمایه گذاری وغیره شده که آنهم ونحوه‌اش معلوم است وفقط ۷ میلیون تومان صرف امور خیریه شده . البته این رقم هائی است که خودشان منتشر کرده اند وبهیچوجه دزدی پنهان و نامرئی آنهارا نشان نمیدهد و فقط میتواند قسمتی از دزدیهای آشکار آنهارا نشان دهد . قسمت زیادی از درآمدهای آستانه مستقیما به جیب خود شاه میرود و ثروت بیکران او را بیکرانتر میکند . شاه علاوه بر دزدی های پنهانی از اموال آستانه ، سالانه مبلغ کلانی هم به عنوان حق التولیه از آستانه حقوق میگیرد ، این واقعا شرم آور است ، معلوم نیست این همه پول و ثروتی را که با حرص روبهم انباشته میکند ، برای چیست . جالب اینجاست که از این ۱۶ میلیون تومان مخارج دستگاه اداری فقط مبلغ ناچیزی را بکارگران و کارمندان جزء آستانه میدهند . قسمت اصلی آن را کارمندان عالیرتبه و خود شاه میگیرند ، مثلا یک کارگر آستانه میگفت که روزی ۸ تومان حقوق میگیرد و یک کارگر پیر دیگر با حقوق ماهی ۲۰۰ تومان بازنشسته شده بود . با این حساب در واقع آستانه ، تیمارستانه شاه و دار و دسته او است . هر سال هم سر وصدائی راه می اندازند و گوشه ای را تعمیر میکنند و چندین برابر پای آستانه مینویسند . حتی خمس و عشر درآمد آستانه هم خرج خودش و خرج امور خیریه نمیشود ، بقیه راشاه وکارمندان عالیرتبه دستگاه آستانه به جیب میزنند .

دستگاه اداری آستانه چگونه مردم را غارت میکند ؟

درآمد آستانه از چهار منبع زیر تأمین میشود :

www.iran-archive.com

۱. درآمد حاصل از کشاورزی و زمین های زراعتی آستانه .

۲. درآمد کارخانه ها ، شرکت ها و معادن آستانـــــه .

۳. درآمد از محل اجاره بهای ساختمان ها واراضی شهری .

٤. نذری ها و هدایای مردم .

در زمین های موقوفهٔ آستانه خون دهقانان را بصورت های مختلف میمکند :

در زمین های مکانیزهٔ آستانه ، که اغلب دهقانان ازکار بیکار و آواره شده اند ، زمین هائی راهم که به دهقانان اجاره داده اند ، یا قنات ها و چشمه های آنها در اثر تصیر نشدن خشکیده و دهقانان را آواره ساخته ویا آنقدر اجاره سنگین است که دیگر چیزی برای دهقانان باقـــی نمیماند . قبلا قرار بود که این زمین های اجاره ای را به دهقانان مستأجر به منظور تبدیل به احسن آن بفروشند ، و حتی چندین سال مبلغی را هم کماز آنها گرفته اند قرار بود بابســت قسط زمین حساب کنند ، ولی اکنون پشیمان شده اند و میخواهند با کلک های مختلف دهقانان را از زمین ها بیرون کنند و زمین ها را مکانیزه نمایندو با کارگر روز مزد اداره کنند ، ولی فعـــلا از ترس دهقانان جرأت بیان این حرف را ندارند و پنهانی دارند نقشه میکشند ، مثلا هرجـــا قنات یا چشمه ای ویران میشود ، دیگر آبادش نمیکنند تا خود دهقانان زمین را بگذارند وبروند و نیرنگ های دیگر . دستگاه اداری آستانه خیال دارد یا خودش زمینها را مکانیزه کند یا آنها را از دهقانان بگیرد و به سرمایه داران بزرگ اجاره بدهد .

در کارخانه ها و شرکتها و معادن آستانه هم ، درست مانند سرمایه داران دیگـــــر از کارگران وحشیانه بهره کشی میکنند . وضع این کارگران در بسیاری از موارد حتی از کارخانه هـا و کارگاههای دیگر هم بدتر است ، مثلا کارگران کارخانه های قند شیرین ، قند آبگوه ، قندچنارا که همگی مال آستانه است ، چند ماه از سال بدون دریافت حقوق بیکار هستند و در واقع بـــه صورت فصلی کار میکنند ، دستگاه آستانه هم هیچ فکری برای مدت بیکاری آنها نمیکند . در کارخا ـــنه های دونات سازی ، نان ماشینی (" نان قدس رضوی ") و چندین سردخانه وغیره هم

که مال آستانه است ، باز کارگران و کارمندان جزء از وضع خوبی برخوردار نیستند . تمام کارگران کارگاهها و کارخانه های آستانه هم مانند سایر کارگران ایران از حقوق اجتماعی و تشکیلات سالم صنفی و سندیکائی محروم هستند و کوچکترین حرکت آنها در مبارزه برای دریافت حقوق خود زیر نظر مأموران سازمان امنیت است و بوسیلهٔ قدار بندان حکومت شاه سرکوب میشود .

آستانه از محل اجاره بهای ساختمان ها و زمین های شهری کم درآمد کلانی دارد . مثلا در سال ۴۷ ، در حدود ۱۵ میلیون تومان از مردم مشهد اجاره دریافت کرده است که البته اکنون این مقدار خیلی بیشتر شده است . قسمت اعظم زمین های داخل شهر مشهد متعلق به آستانه است و از صاحبان این زمین ها سالانه اجاره دریافت میشود . علاوه بر این مکارمندان آستانه هم از طریق بند و بست با بنگاه داران و دلالان زمین و رشوه گرفتن از ساکنین این زمین ها ، دادن زمین به آشنایان خود و خلاصه تصرف و تملک زمین ها و به مالکیت خود در آوردن آنها درآمد سرشاری دارند . اشخاص متنفذ در دستگاه آستانه همه معمولا مقدار زیادی از زمین های آستانه را به نام خود کرده اند . اخیرا ولیان سگ ناسه لیس شاه ادعا کرده که میخواهد اداره املاک آستانه را گویا اصلاح کند و سر و صدائی هم در این مورد راه انداخته ، ولی هنر اصلی او این است که فشار را بر مردم بیشتر نموده و اجاره ها را سر وقت میگیرد . او حتی کسانی را که اجاره را سر موقع نپردازند دستور میدهد که آب و برق شان را قطع کنند . ولیان را همه می شناسند . او یک درد شناخته شده و یک نوکر گوش بفرمان آمریکائی ـ هاست . او سالها در آمریکا برای غارت مردم وطن ما تعلیم دیده . او عضو سازمان جاسوسی "سیا" است و به دستور آمریکا ده سال مأمور اجرای برنامهٔ اصلاحات ارضی بوده و در این مدت چه حق هائی را که ناحق نکرده و چه بند بست های کثیفی که ننموده . میلیون‌ها دهقان را او بی حقوق و آواره کرده تا دل ارباب ها را راضی کند . او نمی خواهد به نفع مردم کاری کند ، بلکه میخواهد دست دلالهای کوچك را کوتاه کند و کاری کند که درآمد آستانه بیشتر شود تا پول بیشتری به جیب خودش و شاه برود . او بهیچوجه به فکر مردم نیست . تازگی ها

www.iran-archive.com

او خیال دارد مبلغ اجاره ها را افزایش دهد و برای این کار نقشه میکشد .

یکی دیگر از منابع مهم درآمد آستانه ، نذری ها و هدیه های مردم است که یا در درون ضریح ها می ریزند و یا به ادارات آستانه تحویل میدهند . دستگاه آستانه در درون بدن هرچه بیشتر این پولها و هدایای بی زبان کاملا آزاد است و تا میتوانند از آن چپاول میکنند . البته برای کارمندان جزء این کار میسر نیست ، زیرا کار آنها دقیقا کنترل میشود ، ولی برای کارمندان عالیرتبه دیگر قضیه به این صورت نیست و ریش و قیچی دست خودشان است .

چه باید کرد ؟

با طرح این مسایل ، بلافاصله این سئوال پیش می آید که تکلیف چیست و چه باید کرد ؟ باید گفت ، مسئله آستانه ، یکی از مسایل و مشکلات متعدد کشور ما است . این مسأله را به تنهایی نمی توان حل کرد . باید ریشه و علت اصلی تمام بدبختی های مردم کشور ما را پیدا نمود . چنانکه قبلا هم گفتیم در وطن ما میلیون ها کارگر و دهقان زحمتکش و کسبه جزء وجود دارد که به زحمت شکم خود را سیر میکنند . علاوه بر این ، کارمندان و روحانیان و بازرگانانی هم وجود دارند که اگر چه دستشان به دهانشان میرسد ولی به آنها ظلم می شود و روز به روز وضعشان بدتر و بدتر میگردد . در مقابل این عده که اکثریت عظیم مردم کشور ما را تشکیل میدهند ، مشتی کارمندان عالی رتبه ی دزد و فاسد و نوکر سرمایه داران خارجی ، بخصوص سرمایه داران آمریکایی و اروپائی هستند که شاه خائن سردسته آنها است ، به اضافه مشتی سرمایه دار بزرگ که اغلب با همان کارمندان عالیرتبه و درباریان قوم و خویش هستند . این عده که تعدادشان یک هزارم جمعیت کشور ما هم نیست ، طبقه حاکم جامعه ما را تشکیل میدهند . اینان تمام ثروت جامعه ی ما را در اختیار دارند و همه چیز را مال خودشان میدانند . حتی کوه و بیابان را هم به نام خود کرده اند . موقوفات هم اگر چه اسمش موقوفات است ولی در اصل

www.iran-archive.com

مال اینها است ، زیرا که درآمدش را اینها به عنوانهای گوناگون میگیرند . ثروتهای آستانه هم مال اینها است ، زیرا که قسمت بسیار زیادی از درآمدهای آن را به عنوان حقوق و مزایاهای گلان میگیرند ، بقیه را هم بوسایل مختلف می دزدند . پس مؤسسات آستانه هم در واقع تجارتخانه های خودشان است ، منتها با تجارتخانه های دیگر فرقش این است که فقط سودش را می برند و با ضررش کاری ندارند . شاید این بهترین نوع تجارت در دنیا باشد که کسی تجارتخانه ای داشته باشد ولی ضررش را از جیب خودش نپردازد و فقط سود آن را ببرد .

هموطنان عزیز !

آیا چنین کسانی ، یعنی کارمندان عالیرتبهٔ دولت و سرمایه داران نوکر خارجی که طبقه ی حاکم جامعه ی ما را تشکیل میدهند ، حاضرند منافع خودشان را که از راه دزدی و غارت خلق بدست می آید ، از دست بدهند و رعایت حال مردم را بکنند ؟ مسلما نه ، شاه هرکس را که با او مخالف باشد ، به زیر شکنجهٔ وحشیانه و به میدان اعدام می فرستد . خودش هم بارها به این موضوع اعتراف کرده . این کار او به چه معنی است ؟ مگر به این معنی نیست که او و طبقهٔ حاکم حاضر نیستند که یک ذره هم از منافع خود بگذرند و حاضر نیستند از دزدی و غارت خلق دست بردارند و در نتیجه هر کس به آنها اعتراض کند او را میکشند .

هموطنان عزیز !

تنها یک راه برای مردم ستمکش ما باقی مانده است : آنهم مبارزهٔ مسلحانه است . مبارزهٔ مسلحانه برای سرنگون کردن حکومت شاه و نشاندن حکومتی به جای آن که آزادانه از طرف توده های زحمتکش انتخاب شود . هیچ راه دیگری نداریم . اما آیا فقط باید مبارزه ی مسلحانه کرد و هیچ نوع مبارزهٔ دیگری مانند اعتصابات و تظاهرات و غیره فایده ندارد ؟ چرا ، آنها هم به جای خود مفید هستند ، و ما به قدر امکانات خود از هرگونه مبارزه ی ضد رژیم حمایت

میکنیم ، ولی باید به یاد داشته باشیم که شاه اینگونه مبارزات را با خشونت تمام سرکوب میکند و در نتیجه ، این کارها به تنهائی به نتیجه نمی رسند . اعتصابات و تظاهرات البته خوب است ، باعث می شود که مردم با هم متحد شوند ، آگاهی شان بالا برود ، یعنی دوست و دشمن را در عمل بفهمند ، ولی نتیجه ی نهایی نمیدهد . نتیجه ی نهایی با مبارزه ی مسلحانه به دست می آید . باید خلق ارتشی تشکیل دهد و طبقه کارگر ما حزبی بوجود آورد که این ارتش را رهبری کند تا بتواند مبارزه را به نتیجه برساند . این کار البته سخت است ولی به تدریج عملی خواهد شد . مردم ویتنام هم مانند ما از صفر شروع کرده اند و اکنون می بینیم که بزرگترین قدرت دنیای سرمایه داری و بزرگترین غارتگران تاریخ ، یعنی آمریکا را شکست داده و پشت آن را به خاک رسانده اند . ما هم خواهیم توانست اینکار را بکنیم هم اکنون نطفه های ارتش خلق و حزب طبقه کارگر در کشور ما بوجود آمده و این نطفه ها روز به روز در حال رشد نند . هر روز عده ی جدیدی از روشنفکران انقلابی و کارگران آگاه به آن می پیوند ند . این ارتش ها و سازمانهای سیاسی کوچك ، اکنون چهار سال است در مقابله با وحشیانه ترین حمله ی پلیس و ارتش شاه خائن مقاومت کرده ، دوام آورده و علاوه بر این ، ضربه های سختی به نیروهای شاه زده است . هم اکنون مأموران عالیرتبه ی شاه و خود شاه ، از ترس ما چون بید بر خود می لرزند . دولت شاه خائن تاکنون بودجه های عظیمی برای نابود کردن ما صرف کرده . حتی اربابان آمریکایی اش او را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده اند و بی عرضگی و ناتوانی اش را در نابود کردن ما به او گوشزد کرده اند ، ولی او موفقیتی در این راه به دست نیاورده . چرا ؟ برای اینکه ما به فرمان ضرورت تاریخ به وجود آمده ایم و بقای ما ، اراده ی تاریخ است .

اما هموطنان زحمتکش ما ، در قبال ما چه کاری را باید انجام دهند . روشن است که آگاه ترین و پیشروترین افراد خلق باید به سازمان های سیاسی ـ نظامی

بپیوندند و یا خود سازمان های سیاسی ـ نظامی تشکیل دهند . اما در شرایط کنونی همه را توان و امکان اینکار نیست ، پس باید هر کس که علاقمند به رهایی خلق از دست غارتگران خارجی و نوکران داخلی شان است ، به قدر امکان خود و به هر صورت که برایش عملی است به مبارزه مسلحانه و چریکهای انقلابی کمک کند . بنابراین ما از هموطنان مبارز و انقلابی خود می‌خواهیم که اعلامیه های ما را در اختیار دوستان و آشنایان مورد اعتماد خود بگذارند و اگر این کار برایشان مقدور نیست ، آن را در جایی بگذارند و یا ببندازند که دیگران هم بتوانند آن را بخوانند . از هموطنانی که تهیه امکانات چاپ و تکثیر بهر صورت برایشان مقدور است میخواهیم که اعلامیه های ما را در هر سطحی که میتوانند تکثیر و پخش کنند . حتی رونویس کردن و پخش محدود اعلامیه ها نیز می تواند قدم مثبتی در راه انقلاب رهایی بخش ملی ما باشد . کمک به چریکهای انقلابی از جانب عناصر آگاه و انقلابی ، در مواردی دیگر و در سطح هایی بالاتر نیز می تواند انجام گیرد ، کمکهای اتفاقی به چریکها مانند کمک به فرار ، مخفی شدن و انجام عملیات آنها که در آینده مسلما هر چه بیشتر و بیشتر پیش خواهد آمد و خلاصه کمکهای منظم از طریق تماس مستقیم و غیره که امکانش اکنون البته برای همه وجود ندارد ، ولی در آینده وجود خواهد داشت . سرانجام خلق ما به ضرورت اتحاد و همبستگی و مبارزه پیگیر خواهد رسید و صفوف خود را برای سرنگونی رژیم ننگین شاه متراکم خواهد ساخت .

برومند و شکوفان باد نهال نورسته مبارزه مسلحانه خلق ایران

نابود باد حکومت ننگین شاه و اربابان خارجی اش

جاوید ان باد خاطره رزمندگان شهید سیاهکل

چریکهای فدائی خلق

www.iran-archive.com